

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دوکتور صلاح الدین سعیدی

سعید افغانی

26 اگست 2011

## بخشی کوچک از بحثی بزرگ تحت عنوان

### "درستنویسی"

خواننده معزز و گرامی! دو روز قبل چند سطر مختصر را از طریق ایمیل بدست آوردم که در آن دو نویسنده با تبادل نظر متن ذیل در پهلوی سایرین به من نیز ارسال کرده و نگاشته اند:

« ... دوست گرامی .... نکته ای که درین مقطع باید به عرض برسانم اینست که شرط اول نامه نگاری املائی درست میباشد. در چند جمله کوتاهی که از شما گرفتم، دو نکته قابل تذکرات است .... اول لطفاً به یک و یا چند قاموس زبان فارسی (یا دری اگر طرف دار آن استید) مراجعه کرده و ببینید که کلمه "گفتمان" در آنها وجود دارد یا خیر. باید خاطر نشان نمایم که در یک زبان، لغات جدید یا در درازمدت توسط مردم علاوه می شوند و یا هم در بعض ممالک کمیسیون های خاص برای قبول لغات جدید وجود داشته میباشد. کارمندان صدای امریکا و بی بی سی این حق را بی مورد به خود داده اند. ثانیاً کلمات از قبیل "نویسنده"، "زنده" "هفته" و غیره با (ه) نوشته میشوند. اما وقتی با پسوند "گی" مربوط می شوند، حرف (ه) آن حذف میشود. پس "نویسنده گی"، "زندگی"، "هفتگی" و غیره درست است.

امید که این یاددهانی بنده را غیر مغرضانه تلقی بفرمائید. ایمیل دوم: دوست محترم داوود موسی سلام و تمنیات نیک خود را خدمت شما ابراز می دارم. از نامه و نظریات شما جهانی سپاس. ر. پروانی.

ایمیل سوم: باید بگویم من هیچگاهی نظرات، پیشنهادات و حتی انتقادات را مغرضانه تلقی نکرده، می گویم از آنها استفاده کرده و در اصلاح خود بکوشم، اما اجازه بدهید در مورد حذف های غیر ملفوظ پس از علاوه کردن "گی" در آخر جمله با شما موافق نباشم. در کتاب روش املائی زبان دری که در سال 1383 در مطبعه تعلیم و تربیه کابل به تیراژ 10100 جلد به نشر رسیده، به صراحت گفته شده که:

هر گاه واژه مختوم به "های" غیر ملفوظ با "گان" یا "ها" جمع شوند، های غیر ملفوظ حذف نمی شود. مانند: بنده، رونده، نویسنده که می شود: بنده گان، رونده گان، نویسنده گان .... این کتاب به همت دانشمندان شناخته شده که هر کدام نخبه های زبان ادبیات و در کشور ما شناخته شده اند، هر یک: مرحوم پوهاند عبدالاحد جاوید، مرحوم پوهاند محمد رحیم الهام، پوهاند محمد عمر زاهدی، واصف باختری،

اعظم رهنورد زریاب، استاد لطیف ناظمی، استاد پویا فاریابی تالیف گردیده است. نسخه پی دی اف این کتاب را در سایت آسمانی می توان مطالعه کرد. من هیچمدان از همین روش که روش املائی زبان دری خوانده می شود، استفاده می برم. در مورد اینکه هر واژه توسط مردم و به مرور زمان وارد زبان می گردد، کاملاً موافق هستم. از لطف و سپاس شما یک بار دیگر ابراز امتنان می کنم.

با محبت و احترام فراوان  
ر. پروانی «

هموطنان گرامی، دانشمندان محترم و خواننده معزز سلام و احترامات خدمت شما تقدیم است. اولاً میخواستم چند سطری در مورد نوشته و در بحث سهم بگیرم. علت آن این نیز بود که من قصد دارد در مورد تحقیق مفصلی داشته باشم. اما بعد از شروع بحث طولانی شد که مجبوراً آنرا به شکل ذیل خدمت تقدیم و بخشی از مطالب جنجال برانگیز را نیز با شما شریک میسازم. باید بگویم که بحث خویش را کامل ندانسته و برای مستند سازی به جزئیات و کنجکاوای لازم نپرداخته ام:

بحث املاء و انشای زبان و درین جمله زبان دری/ فارسی و پشتو که برای ما مطرح است بحث بس جالب و خوب است. این بحث بخاطری جالب است که عوض بحث برای بحث و بحث برای فتنه بحث و تبادل نظر در مورد مسایل عملی و ممد صورت میگیرد. تمرکز بر این مسایل برای روشن ساختن قواعد بخاطر ضرورتی که درین راستا کار لازم صورت نگرفته و کارهای بس عظیمی در پیشروی قرار دارد. میدانیم که در کشور ها و جوامع دیگر درین راستا کار وسیع صورت گرفته و بحث کننده حین بازکردن این بحث به آن توافقات و کتب مرجعی استناد میکنند که درین مورد از مراجع علمی و تحقیقاتی و اکادمی های شان به توافق رسیده. با آن هم این کتب مرجعی در هر دو سه سال تجدید شده و تغییرات اندکی در چاپ های جدید بوقوع میپیوندد. ما که در ابتدای کاریم مجبوراً به تحقیقات و پژوهش های انفرادی صاحب نظران خویش استناد میکنیم.

متأسفانه هست مواردی که بحثها و جدالهای مشابه که نظر دهنده و بحث کننده در بحث نظریات و تمایلات غیر علمی و شخصی همراه با تعصب و پیشداوری های خویش را تحت تأثیر سمپتی ها و انتی پتی های خویش همراه ساخته و در زمینه افراط و تفریط صورت میگیرد و گویا بحث از مجرای بحث دقیق علمی خارج میشود که در بسا موارد سبب تأثر و نفرت هم میشود. این حالت حد اقل ضیاع وقت خود و دیگران است.

به هر صورت مسایل و گفتنی ها زیاد است. اما ترند و توافق عمومی در جهان امروز در مورد املاء و انشای زبانها چنین است که آنچه باید نوشت که میگوئیم و شنیده میشود. به فکر و فهم من به اساس همین ترند و یا هم ممکن تعصب باشد که خارنوال را سارنوال مینویسند. بخاطر اینکه خارنوال از خار گرفته شده و معنای خود را دارد اما سارنوال نمی دانم از چه گرفته شده باشد. به اساس همین ترند است

که معنی را در پشتو مانا مینویسند که معنی کلمه عربیست و مانا نمی دانم از کدام لغت مشتق شده میتواند؟ اما نوشتن نعلت به قسم و طریق لعنت باز مشکل و بحث دیگری است که ایجاب بحث طویل میکند.

اما اگر ما ار ترند و روش : نوشتن آنچه میشنویم به قسمی که شنیده و یا گفته میشود باید نوشت، در متون مقدس دینی پیروی کنیم، روشن خواهد شد که اصلاً قابل قبول نباشد و مجاز نیست. متون مقدس باید به طوری نوشته شوند که اصل آن باشد.

بحث استعمال لغات اجنبی، موجه بودن و عدم موجه بودن آن که من نیز استعمال میکنم خود بحث جدا گانه است. من به این باورم که هرگونه افراط و تفریط درین راستا هم جای نداشته باشد.

مسلم این است که زبان در تکامل است. هر زبان و فرهنگ از زبان و فرهنگی دیگر متأثر میشود، به مرور زمان چیزیم میگیرد و چیزی میدهد. عوامل این حالت زیاد است اما تسلط سیاسی، دینی و فرهنگی کلتورهای مختلف بالای یکدیگر عوامل عمده و اساسی اند.

بحث تأثیرات زبان دری حتی در زبان انگلیسی مبنی بر اینکه در زبان انگلیسی میتوان کلماتی را یافت که از زبان فارسی گرفته شده و برعکس زبان دری، فارسی، تاجیکی و یا پشتو از زبان های دیگر متأثر شده است نیز قابل دقت است. بطور مثال تأثیرات زبان دری و پارسی در منطقه و هند تا جایی که رهبر مشهور هندی مهاتما گاندی تخلص خویش را از زبان فارسی/پارسی انتخاب میکند. به این معنی که گاندی در زبان فارسی به معنای پدر اولادها است. یا در عصر امروز عده ای از رهبران ما استعمال جمله "اگنورش کن!" و یا امثال آنرا در کلام عادی روزمره خویش استعمال میکنند.

دین مقدس اسلام و زبان عربی و تأثیرات آن در زبانهای ما به شمول تأثیرات در نوشتن، املاء و انشاء بحث دیگر و طولانی خواهد بود. تأثیرات زبان روسی در مقطع معین از تاریخ کشور ما مبنی بر استعمال لغات روسی در مکالمات روزمره و بعداً تأثیرات زبان فرانسوی در زبان فارسی تحت تأثیرات قوت گرفتن علایق جوامع فارسی زبان با کلچر و فرهنگ فرانسوی زبان و بالاخره تأثیرات زبان انگلیسی بر زبانهای کشور ما و جهان مبنی بر استعمال کلمات اجنبی مسایل و مباحثی اند که درین مورد نیز قابل بحث اند.

بحث موجودیت تأثیر زبان پشتو و استعمال بخشی از کلمات آن در زبان دری که عده ای را به همین دلیل اصلاً به مخالفت به موجودیت زبانی به نام زبان دری کشانده، تا بزعم خویش جلو تأثیرات زبان پشتو را بگیرند، مطالبیست که نیز قابل بحث عریض و طویل اند. تصادفی هم نیست که ما حتی بر بخشی از رسانه های جهانی بخشهای دری نداشته و یا قبلاً نداشت و صرف بخش فارسی داشتند. هست موارد که عده زبان دری، فارسی، تاجیکی را یک زبان دانسته و این زبان ها را لهجه های مختلف عین زبان میدانند. عده دری را اصل و فارسی را فرع و یا عده دری را موصوف میدانند که جای صفت را گرفته و ....

و اما بحث حذف و عدم حذف (ه) در کلمه مثلاً "نویسنده"، "زنده" "هفته" در صورت اضافه شدن پسوند -پسوند "گی" که "نویسندگی"، "زندگی"، "هفتگی" درست است و یا نویسنده گی، "زنده گی" "هفته گی" باید گفت که درین راستا قواعد املاء و انشای زبان دری و زبان فارسی از همه متفاوت اند. لذا یک صاحب نظر از املاء و انشای زبان دری صحبت دارد و دیگری از املاء و انشای زبان فارسی. به این ترتیب هر دو صاحب نظر به نحوی درست نظر دارند.

مسلم این است که حتی زبان انگلیسی که به زبان جهانی تبدیل شده و زبان بالاتر از زبان یک ملت میشود (آپ نیشن لنگویج)، نیز تفاوتی در نوشتن، حدود و ثغور معانی کلمات دارد و این مسایل درین زبان نیز تا حال توحید نشده و یا نخواهد شد. زبان انگلیسی انگلستان، زبان انگلیسی ایرلند، زبان انگلیسی استرالیا، زبان انگلیسی کانادا و زبان انگلیسی امریکا و خاصاً زبان انگلیسی امریکای شمالی در نوشتن، افاده های معین و معانی لغات تفاوتی دارند.

این و دهها مطلب و مبحث که ضرورت به بحث و توافق اتوریته های طبیعی و دانشمندان علوم زبان و کار سیستماتیک و اکادمیک دارد.

به فهم و شناخت من عصر انترنت و اطلاعات جمعی مدرن کار را برای توحید درین راستا بیشتر مساعد ساخته است که به فهم من سؤال وقت خواهد بود که درین راستا بخش اعظم توحیدی در املاء و انشاء و بخش افاده های لغوی و اصطلاحی کلمات صورت گیرد.

چنانچه گفته آمدیم داخل کردن هرگونه علاقه مندی ها و تعصبات و استفاده های سیاسی درین بحثهای خوب به فهم من بی جا، و نادرست بوده و سطح بحث را بی سویه ساخته، بجای دیگری میکشاند.

و اما در مورد اینکه علت اساسی عدم توافق هردو نظر دهنده قرار برداشت من در بالا اینست که هردو بر موضوع جداگانه یعنی یکی در مورد املاء و انشای دری و دیگری در مورد املاء و انشای فارسی صحبت دارند. مرا بدین فکر انداخت که عده ای از ما چرا دیموکراسی و یا مصالحه سیاسی را نمی پذیرند؟ به فکر من هیچگاه عقل سلیم نظام را که از جانب مردم، توسط مردم و در خدمت پالش و پرورش ارزشهای مردمی باشد رد کرده نمی تواند. پس علت رد نظام دیموکراتیک توسط عده ای نظامیست که دیموکراسی را روپوش تخلفات و جنایات خویش ساخته و تقلبی است. که درین صورت قضاوت بر دو چیزی متفاوت است. همچنان در یک جامعه صلح پایدار برقرار شده نمی تواند، تا زمانی که نیروهای سیاسی در ستیج سیاسی از مجاری نورمال مبنی بر اراده ملت در یک انتخابات آزاد، و تحت نظر قانون برای صحت نسخه های به مردم مراجعه کرده و مشروعیت حاکمیت را از ملت بدست آورند. درین صورت مصالحه به مفهوم متمدن ساختن مبارزات سیاسی بوده، نه معامله و خیانت به آرمانهای خویش و آرمانهای ملت که درین صورت هیچ عقل سلیم باید آنرا رد نکند. پس آنهایی که مصالحه سیاسی را رد میکنند، منظور شان باید چپری دیگری باشد تا این منطق که در بالا متذکر شدم که باز هم برمیگردیم که یکی از عوامل اختلافات مان همان بحث بر دو مطلب جداگانه است.

به هر صورت با اراده نیک و خیر و تلاش صادقانه برای رسیدن به خیر و راه راست یکی از راههای حل، اساس کار بوده میتواند. پایان

26 اگست 2011

## یادداشت پورتال:

قابل تذکر میدانیم که پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" موضوع درستویسی و توحید املائی را در خط مشی و اهداف نشراتی خود گنجانیده است. بنا بر همین اصل است که مطالب رسیده را بعد از تطبیق شیوه یکدست املائی - منطبق با اساسات علم زبان - نشر میکند.

البته پورتال در پهلوی جنبه عملی، مسأله نظری را نیز از نظر دور نداشته و یکی از ویراستاران را موظف ساخته است، تا بحثهای روشنگرانه و آگاهی دهنده را به میدان بکشد. توجه خواننده علاقه مند بدین موضوع را به آرشیف مقالات جناب دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی در پورتال جلب میکنیم. درین آرشیف مقالات بیشمار در زمینه قابل دسترس است. لطفاً بدانجا رجوع کرده و موضوعات توضیح طلب را از خلال آنها دریابند. این مقالات از طریق سلسله های مختلف پیش کشیده شده اند. مثلاً سلسله "مشکلات املائی در زبان دری" که تاکنون 9 (نه) بخش آن عرضه گردیده است و دنباله اkmالی آن الاقل ده بخش دیگر را در بر خواهد گرفت. در بخش اول این سلسله که بتاريخ 29 جنوری 2009 نشر شده بود، قواعد مربوط به "های ملفوظ" و "های غیر ملفوظ" و طرز معامله با کلمات مختوم به این دو "ه" بصورت مفصل و ترسیمی تشریح گردیده است. دو بحث تکمیلی در زمینه - مؤرخ 19 فبروری 2009 و 12 می 2009 - بنا بر ایرادات همکار گرامی ما جناب "جان محمد"، نیز صورت گرفته است.

البته در صورت ضرورت به سؤالات خوانندگان عزیز در زمینه، جواب خواهیم گفت.

بخش "ادبی - فرهنگی"

پورتال AA-AA